

Ayatollah Ma'rifat's Foundational Principles in Responding to Quranic Doubts

Hassan-Reza Rezaei^{*} / Hamid Karimi^{**} /
Nima Kharazmi^{***}

Recived Date: 2025/04/08

Accepted Date: 2025/12/13

Abstract

The issue of identifying the foundational premises of Qur'anic scholars and thinkers in the field of responding to doubts has emerged in recent years. By "foundation-identification" (mabnā-shenāsi) we mean the assumptions, doctrinal beliefs, or scientific principles on which theories are built. Professor Mohammad-Hadi Ma'rifat, one of the prominent contemporary scholars and specialists in Qur'anic sciences and exegesis, devoted significant attention to Qur'anic doubts and to addressing them. The present article seeks to answer the question: *What are the theoretical foundations of Professor Ma'rifat in responding to Qur'anic doubts?*

This study, using a descriptive-analytical method and extracting both explicitly and implicitly from the writings of Professor Ma'rifat, has been organized based on library research and Islamic-studies software tools. Some of the findings indicate that the professor confronted the doubts through certain principles and assumptions, such as the harmony between science and religion, the divine origin of the very wording of the Qur'an, the Qur'an's immunity from distortion, its freedom from contradiction, the non-derivation of its content from earlier texts, its independence from the cultural milieu of its time, and the non-influence of humans by unseen entities.

Keywords: *Ayatollah Ma'rifat, foundational-premise analysis in responding to doubts, Ma'rifat's theoretical principles, Qur'anic doubts, foundation recognition.*

DOI: 10.22034/ssr.2025.515523.1059

* Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author) (Hasanreza.rezaee@gmail.com).

** Associate Professor, Iran University of Science and Technology (IUST), Tehran, Iran (karymi@iust.ac.ir).

*** M.A. Student in Theoretical Foundations of Islam, University of Islamic Denominations, Qom, Iran (ni.kharazmi@gmail.com).

دراسة أسس الأستاذ محمد هادي معرفة في الرد على الشبهات القرآنية

حسن رضا رضائي* / حميد كريمي** / نيم خوارزمي***

القبول: ١٤٤٦/٠٦/٢٢

الإستلام: ١٤٤٦/١٠/٠٩

الملخص

يعود الاهتمام بموضوع «مبني شناسي» (معرفة الأسس والمباني) لدى الباحثين في علوم القرآن والمفكرين في مجال الإجابة عن الشبهات إلى السنوات الأخيرة، والمقصود بها دراسة الفرضيات المسبقة، والمعتقدات العقديّة أو العلمية التي تقوم عليها النظريات. يعدّ الأستاذ محمد هادي معرفة ^{هــ} من العلماء المعاصرين البارزين والمتخصصين في علوم القرآن والتفسير، وقد أولى اهتماماً كبيراً بالشبهات القرآنية والردّ عليها. والبحث الحاضر يسعى للإجابة عن هذا التساؤل: ما هي المباني النظرية للأستاذ معرفة في الردّ على الشبهات القرآنية؟

اعتمد هذا البحث المنهج الوصفي التحليلي، واستند في مادته إلى الاستنباط الدلالي والالتزامي من مؤلفات الأستاذ معرفة ^{هــ}، كما استعين في جمع المعلومات بالمصادر المكتوبة وبرامج العلوم الإسلامية. ومن أبرز النتائج المتوصل إليها أنّ الأستاذ قد واجه الشبهات بالاستناد إلى جملة من المباني والفرضيات المسبقة، من قبيل: التوافق بين العلم والدين، ووحانية ألفاظ القرآن نفسها، وسلامة القرآن من التحريف، وسلامته من التناقض، وعدم اقتباسه من النصوص السابقة، وعدم تأثره بثقافة عصر النزول، وعدم تأثر الإنسان بالكائنات غير المرئية.

الكلمات المفتاحية: آية الله معرفة ^{هــ}، مبني شناسي الردّ على الشبهات، المباني النظرية للأستاذ معرفة ^{هــ}، الشبهات القرآنية، معرفة المباني.

DOI: 10.22034/ssr.2025.515523.1059

* أستاذ مساعد، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران (hasanreza.rezaee@gmail.com).

** استاذ مشارك، جامعة إيران للعلوم والتكنولوجيا، طهران، إيران (karymi@iust.ac.ir).

*** طالب ماجستير في اتجاه الأسس النظرية للإسلام، جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران (ni.kharazmi@gmail.com).

مبناشناسی استاد محمدهادی معرفت رحمته در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی

حسن‌رضا رضائی* / حمید کریمی**

نیما خوارزمی***

تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

چکیده

موضوع مبناشناسی قرآن‌پژوهان و متفکران در عرصه پاسخ‌گویی، به سال‌های اخیر برمی‌گردد و منظور از مبناشناسی، پیش‌فرض‌ها، باورهای اعتقادی یا علمی که نظریه‌ها بر آن استوار است، می‌باشد. استاد محمدهادی معرفت رحمته از جمله علمای معاصر و برجسته و متخصص در علوم قرآن و تفسیر، توجه زیادی به شبهات قرآنی و پاسخ به آن‌ها داشته است. نوشتار پیش رو، در پی پاسخ به این پرسش است که مبانی نظری استاد معرفت رحمته در پاسخ به شبهات قرآنی چیست؟ پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با استخراج از مکتوبات استاد معرفت رحمته به صورت دلالتی و تضمینی سامان یافته و روش گردآوری مطالب آن کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای علوم اسلامی است. برخی از نتایج حاصله این است که استاد با مبانی و پیش‌فرض‌هایی مانند سازگاری علم و دین، و حیانی بودن عین الفاظ قرآن، سلامت قرآن از تحریف، سلامت قرآن از تناقض، عدم اقتباس از متون گذشته، تأثیرناپذیری از فرهنگ زمانه و تأثیرناپذیری انسان از موجودات نامرئی، به جنگ شبهات رفته است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله معرفت رحمته، مبناشناسی پاسخ به شبهات، مبانی نظری استاد معرفت رحمته، شبهات قرآنی، شناخت مبانی.

DOI: 10.22034/ssr.2025.515523.1059

* استادیار جامعه المصطفی العالمیه رحمته، قم، ایران (نویسنده مسئول) (hasanreza.rezaee@gmail.com).

** دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (karymi@iust.ac.ir).

*** دانشجوی کارشناسی ارشد گرایش مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (ni.kharazmi@gmail.com).

مقدمه

در عصر حاضر، با گسترش ارتباطات و دسترسی آسان به اطلاعات، شبهات و پرسش‌های متعددی در حوزه‌های مختلف دینی و اعتقادی مطرح می‌شود. پاسخ‌گویی به این شبهات نیازمند رویکردی عمیق و مبتنی بر مبانی و اصول استوار است. استاد معرفت رحمته به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته در حوزه پاسخگویی به شبهات قرآنی، با تکیه بر مبانی و باورهای قوی و روش‌هایی کارآمد برای مواجهه با این چالش‌ها و شبهات قرآنی قد علم کرد. شناخت مبانی فکری استاد معرفت در زمینه پاسخ‌گویی، برای آشنایی بیشتر با روش پاسخ‌های ایشان به شبهات قرآنی ضرورت دارد؛ زیرا افرادی که با مبانی سست و بی‌پایه در عرصه پاسخگویی قدم بردارند قطعاً نتوانست پاسخ واقعی قرآن را بیان نمایند.

نویسندگان زیادی پیرامون «مبانی تفسیر» نگاشته‌هایی تنظیم کرده‌اند؛ مانند مبانی تفسیر قرآن رضا مؤدب، درسنامه مبانی و قواعد تفسیر محمدعلی رضائی اصفهانی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری حسین علوی مهر، مبانی و روش‌های تفسیری عباسعلی عمید زنجانی، بررسی تطبیقی مبانی تفسیری بین فریقین فتح‌الله نجارزادگان، مبانی و قواعد و اصول تفسیر تنزیلی عبدالکریم بهجت‌پور، مبانی تفسیر موضوعی مصطفی کریمی، مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رحمته در تفسیر سوره توبه و مبانی تفسیر قرآن کریم علی فتحی و مقالاتی مانند «اصطلاح‌شناسی مبانی تفسیر» احسان روحی دهکردی و محمدعلی تجری، «ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن» محمدکاظم شاکر، اما پیرامون مبناشناسی استاد محمدهادی معرفت رحمته در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی کتاب یا مقاله‌ای یافت نشد.

اهمیت نوشتار پیش رو، از دو جهت قابل بررسی است. یکی از جهت روش مبناشناسی در پاسخ به شبهه و دیگری از جهت شخصیت پاسخ‌گو یعنی حضرت آیت‌الله معرفت رحمته. شناخت اندیشه و اعتقادات استاد در زمینه پاسخ به شبهات قرآنی، زمینه رشد و ترقی دانشوران این عرصه را فراهم می‌کند و رویکرد وی در تحلیل و پاسخ به شبهات، با تأکید بر اصولی چون وحی همراه با عقلانیت، استناد به منابع دینی و توجه به بسترهای فرهنگی و اجتماعی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، این مقاله نشان می‌دهد که چگونه این مبانی می‌توانند به‌عنوان الگویی برای مواجهه با چالش‌های فکری در جهان معاصر به‌کار گرفته شوند.

۱. مفهوم‌شناسی مبانی

۱-۱. مبانی در لغت: برای «مبانی» در میان ارباب لغت، نظرات فراوانی ارائه شده است. مبانی جمع واژه‌ی مبناست (فیروزآبادی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۵) که در دانش لغت به بنیاد، شالوده، بنیان، اساس (معین، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۳۷۷۷)، ابتدا، اول و پایه (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۷۷۵۸) معنا شده است و در التحقیق ضمیمه کردن یک شیء به چیز دیگری بیان شده است (مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۴۰). با توجه به لغت، ریشه هر چیز را مبنای آن چیز می‌گویند؛ چنان‌که در دانش ادبیات به حروفی که پایه تشکیل اسم و فعل است، مبانی گفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که ماده «بنو/ بنی» در هسته معنایی «ساختن و ایجاد کردن» به کار می‌رود و مشتقات این ماده مانند «ابن»، «بنیه»، «بناء» است (فیروزآبادی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۰۵) و از آنجا که فرزند انسان، بنایی برای پدرش بوده و پدرش او را ساخته است، به او «ابن» گویند (زبیدی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۲۴؛ مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۴۰). در زبان لاتین basis.base found ation مترادف مبنا به کار رفته است.

۲-۱. مبانی در اصطلاح: مبانی در اصطلاح، اساس، پایه و بستر و ساحت‌های زیرین هر علم است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲). شناخت آن (پیش‌فرض‌ها، باورها) در فهم ماهیت احکام و ساختار کمک می‌نماید و در جایگاه موضوعات جدید و شناخت وضعیت موجود، از تشتت و پراکندگی بحث جلوگیری می‌کند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۵).

برای مثال مبانی تفسیر قرآن، به آن دسته از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آن‌ها به تفسیر قرآن می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، هر مفسری ناگزیر است مبنای خود را در مورد عناصر دخیل در فرایند تفسیر قرآن روشن سازد (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۴۰؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲۵ و ۲۶).

مراد ما از اصطلاح «مبانی استاد معرفت در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی» بیان پیش‌فرض‌ها، باورهای اعتقادی یا علمی و نیز دلایلی که نظریه‌ها و پاسخ‌ها بر آن استوار است، می‌باشد. به این معنا در مبانی پاسخ‌گویی به دنبال مفاهیم نظری براساس پیش‌فرض‌ها و باورها هستیم و لازم است تمامی مبادی تصویری و تصدیقی در آن لحاظ شود.

۲. مبانی استاد معرفت رحمته الله در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی

در هر حوزه، شناسایی و درک صحیح مبانی می‌تواند به فهم و حل مسائل پیچیده و استدلال‌های طرفین کمک کند، به‌ویژه در پاسخ‌گویی به شبهات که نیازمند تکیه بر شناخت بنیادی باورها و

اعتقادات پاسخ‌گو است. آنچه در این نوشتار در پی آن هستیم مبانی خاص فکری استاد معرفت رحمته در حوزه پاسخگویی به شبهات قرآنی است و مبانی عام آن در نوشتار دیگری تنظیم خواهد شد. مبانی خاص استاد در حوزه پاسخگویی به شبهات قرآنی عبارت‌اند از:

۲-۱. الهی بودن الفاظ قرآن

استاد معرفت، در پاسخگویی به شبهات قرآنی به لفظی بودن وحی الهی اعتقاد داشت و با این پیش‌فرض به سراغ پاسخگویی می‌رفت. ایشان در جلد اول التمهید و کتاب علوم قرآنی به وحی و ساختار لفظی آن اشاره و ادله درون و برون دینی را مطرح کرده‌اند و به کسانی که احتمال داده‌اند که الفاظ و تنظیم عبارات قرآن وحیانی نیست، بلکه معانی آن بر قلب پیامبر القا شده و آن حضرت خود آن را در قالب الفاظ درآورده است (فراستخواه، ۱۳۷۷، ص ۲۱) با ادله قوی پاسخ داده است. ایشان می‌نویسد: «قرآن تصریح دارد که الفاظ و عبارات قرآن و ساختار آن، از آن خدا است و با دست وحی انجام گرفته است؛ زیرا واژه‌های قرائت، تلاوت و ترتیل را به کار برده، که از نظر وضع لغت عرب تنها بازگویی سروده دیگران را می‌رساند، که الفاظ و معانی هر دو از آن دیگری باشد و بازگوکننده آن را صرفاً تلاوت می‌کند و از خود چیزی مایه نمی‌گذارد». استاد در ادامه می‌افزاید: «قرآن صریحاً با عنوان «کلام‌الله» یاد شده «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (توبه، ۶)، «يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ» (فتح، ۱۵) و در احادیث تفسیر به رأی آمده: «وهو كلام الله، وتأويله لا يشبه كلام البشر» (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۶۴). همچنین قرآن ده مرتبه، به عربی بودن انزال وحی تأکید می‌کند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف، ۲). علامه طباطبایی رحمته می‌نویسد: «ضمیر «أَنْزَلْنَاهُ» به کتاب باز می‌گردد و وحی آن نیز از مقوله لفظ است، در غیر این صورت، مانند حدیث قدسی، در آن احتمال تحریف و جعل می‌رفت» (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۱، ص ۱۰۱). اگر ساختار وحی لفظی نبود تحدی قرآن نیز معنا نداشت (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۹۵-۱۰۸)؛ از این رو، آنچه قرآن را از کتاب‌های دیگر ممتاز نموده نظم و نثر و فصاحت و بلاغت آن بوده که ریشه در وحی لفظی دارد، نه الهام و تراوش درونی؛ لذا جای تردید نیست که قرآن در دو جهت لفظ و معنا ساختار وحیانی دارد و صرفاً کلام خدا است. هرگز در توان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست که چنین سخن معجزه‌آسایی - که بیشتر در جهت لفظ و نظم عبارت متمرکز است - از خود بسازد؛ چرا که گستره آیات تحدی و تعجیز، شامل پیامبر نیز می‌شود (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۵۷-۵۹).

استاد با این مبنا به سراغ شبهات می‌رفت. برای نمونه در پاسخ کسانی که امکان یا وقوع

تحریف یا احتمال آن را مطرح می‌کردند، با اشاره به ساختار لفظی وحی و اعجاز و تضمین آن از طرف خدا، چنین تحریفی را محال عنوان کرد (معرفت، ۱۴۱۸ ق و ۱۳۷۸، صص ۴۵۰-۴۵۵).

۲-۲. لزوم همراهی قرآن و سنت

عالمان دینی بعد از رسول الله ﷺ، از لحاظ شیوه اندیشه‌ورزی در فهم قرآن به چند گروه تقسیم شده‌اند. گروهی که امروزه با عنوان قرآنیون مطرح هستند، فهم قرآن را به قرآن مستند می‌کردند و از هر اندیشه غیرقرآنی اجتناب می‌ورزیدند، اما دسته دیگر کسانی هستند که فهم آیات را تنها از مسیر روایات و معصومان ممکن می‌دانند و اندیشه‌های دیگران را نفی می‌نمایند، اما سومین گروه آزاداندیشانی هستند که در فهم قرآن از خود قرآن و داده‌های احادیث و حتی عقل بهره می‌گیرند و معتقدند بدون آن‌ها قادر به ارائه فهم صحیح از گزاره‌های دینی نیستند (شریفی، ۱۳۹۶، صص ۳۰-۴۰).

استاد معرفت رحمته الله در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی، راه سوم را برگزیدند و احادیث را مکمل آیات الهی می‌دانند. استاد نمونه عینی همراهی حدیث و قرآن را در تفسیر اثری خود به یادگار

گذاشته (معرفت، ۱۳۹۰) و معتقدند احادیث در پی آن نیستند که در عرض قرآن باشند یا معنا در دهان قرآن بگذارند، بلکه احادیث تفسیری مخاطب را به فضای نزول قرآن می‌برد و فهم آن را آسان

می‌کند (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۴). استاد روایت متواتر یا واحد محفوف به قرینه قطعی در باب تفسیر را حجت می‌داند، اما غیر آن را حجت نمی‌داند؛ گرچه در فقه و اثبات احکام شرعی فرعی، چنین خبری اگر موثوق‌الصدور باشد حجت است (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۳؛

معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۲۵). استاد در مقدمه تفسیر اثری، حدیث را دومین منبع برای تفسیر و فهم قرآن معرفی کرده است و مستند آن را آیه: «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل، ۴۴) می‌داند (معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۳). همچنین صحیح‌ترین تأویل را، تأویلی که

از اهل بیت علیهم‌السلام رسیده باشد می‌داند (معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۵). استاد در ادامه با بیان نمونه‌هایی از آیات الهی می‌فرماید: «آیه «فَمَنْ حَاجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ» (بقره، ۱۵۸)

دارای ابهام است و مشخص نیست در چه فضایی و در چه مناسبتی نازل شده و مخاطبین آیه نیز مشخص نیستند. در این صورت حدیث امام صادق علیه‌السلام فضا را برای ما روشن می‌کند و با اشاره به سخن پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که بعد از صلح حدیبیه از مشرکین تعهد گرفت که برای سال آینده به

حج عمره بروند و با آن‌ها شرط کرد در آن زمان شما سه روز مکه را تخلیه کنید و تمام بت‌ها را از اطراف خانه و از کوه صفا و مروه پاک کنید...». استاد نتیجه گرفته است که حدیث آیه را معنا نکرده،

بلکه فضایی را که این آیه در آن نازل شده است، برای شما تصویرسازی کرده و ذهنیتی را که

مسلمانان در آن موقع داشته‌اند، فراهم کرده است (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۵-۶۶).

۳-۲. سلامت قرآن از تناقض و اختلاف

یکی دیگر از مبانی استاد معرفت در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی، اعتقاد به عدم تناقض و اختلاف در قرآن بوده است. این اعتقاد ریشه در آیه ۸۳ سوره نساء دارد که آمده است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا با تدبیر در قرآن نمی‌نگرند [تا دریابند که] اگر از سوی غیر خدا می‌بود، ناهماهنگی بسیاری در آن می‌یافتند؟». ادعای تناقض در قرآن پیشینه‌ای دیرینه دارد؛ چنان‌که حتی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز شبهه‌هایی از این دست بیان می‌شد؛ در احادیث اشاره به افرادی که ادعای تناقض کرده‌اند و اهل بیت علیهم السلام به پاسخگویی آن‌ها پرداخته‌اند، آمده است (صدوق، ۱۴۱۳، ص ۲۵۵؛ مجلسی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۱). تابعانی چون ابن عباس، نقش بسزایی در حل شبهه تناقض داشتند (سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۰). استاد معرفت در کتاب **شبهات و ردود حول القرآن الکریم** به برخی از ادعاها اشاره و نقد کرده است.^۱

۶۴

شیرازی

استاد معرفت معتقد است در صورتی که آیات قرآن با یک نگاه جامع تفسیر نشود و در تفسیر، ارتباط درونی آن‌ها با یکدیگر ملاحظه نشود، ایهام عدم انسجام محتوایی برخی از آیات با یکدیگر (تناقض آیات با یکدیگر) وجود خواهد داشت. ایشان نیز به تفصیل به بررسی برخی از آیاتی می‌پردازد که به ظاهر «تناقض» محتوایی با یکدیگر دارند، ولی با تدبیر و نگاه جامع به آن‌ها و با توجه به این که کلام حکیم است و معجزه، معلوم می‌شود که با هم مرتبط و از نظر معنا با هم منسجم هستند (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۵۲-۲۸۶).

استاد معرفت عدم تناقض در آیات را دلیل روشن بر اعجاز قرآن می‌داند (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۲۹۶) و بیش از هفتاد صفحه کتاب شبهات و ردود را به مسئله عدم تناقض در قرآن اختصاص داده و با این پیش فرض به سراغ پاسخ بیش از بیست شبهه رفته است (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۲۹۵-۳۷۰).^۲

در
تولید
شماره هفتم / پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۴-۲. سلامت قرآن از تحریف

پیش فرض استاد معرفت در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی، عدم تحریف آیات الهی بوده است.

۱. نگارنده نیز در مجله قرآن و علم شماره ۸ به برخی از ادعاهای تناقض در مورد علوم اشاره و نقد کرده است.
۲. مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات نیز کتابی با عنوان سلامت قرآن از تناقض را از حسین طوسی به چاپ رسانده و اکثر شبهات پیرامون تناقضات در قرآن را پاسخ داده است.

مسلمانان در باره وقوع تحریف معنوی در قرآن اختلافی ندارند. آنچه در میان ایشان اختلاف برانگیز شده، تحریف لفظی است. باین حال همگان می دانند که تحریف لفظی - از نوع تحریف به افزودن - در قرآن راه نیافته است؛ زیرا چنین ادعایی مستلزم آمدن گفتاری همسان با قرآن و فروپاشی همواردطلبی و در نتیجه بطلان اعجاز قرآن است، در این صورت بنیاد اسلام فروخواهد ریخت؛ بنابراین محل نزاع، تحریف لفظی از نوع کاستن در قرآن است (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۶). استاد با نوشتن کتاب **صیانت قرآن از تحریف** قداست آن را از هرگونه نقص و زیاده حفظ کرده است. ایشان نسبت تحریف به قرآن را نسبت ظالمانه برشمرده و مخالف نص صریح وحی می دانند و اضافه فرموده بقا و سلامت آن در همه زمان ها تضمین شده است. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ همانا ما قرآن را فروفرستادیم و ما نگاهبان آن خواهیم بود» (حجر، ۹) (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۱۵). استاد انگیزه خود را در نوشتن سلامت قرآن از تحریف چنین مرقوم فرمودند: «وقتی به پاره ای از نوشتارها برخوردیم که با متوجه ساختن تهمت های ناروا به مهم ترین طائفه مسلمین یعنی شیعه امامیه و با نسبت دادن تحریف قرآن به ایشان و برای برهم زدن وحدت مسلمین می کوشید، بر خود وظیفه دانستیم با دو هدف به رد چنین خطای فاحشی برخیزیم؛ اولاً برای دفاع از قداست و پیراستگی قرآن کریم. ثانیاً برای رسوا ساختن چنین تهمت های ناروایی که به يك امت بزرگ اسلامی متوجه شده است» (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۱۹).

استاد معرفت اعتقاد خود را پیرامون تحریف ناپذیری قرآن با ادله متقن از قرآن و روایات و گواهی تاریخ و جنبه اعجاز و عرضه روایات بر قرآن و اجماع و... اثبات کرده و ادله کسانی که ادعای تحریف کرده اند مانند محدث نوری و دیگران را رد کرده است. ایشان بیش از ۲۵ شبهه پیرامون تحریف قرآن را مطرح و نقد کرده است و ساحت قدسی قرآن را از تحریف مبرا می داند (معرفت، ۱۳۷۹).

۲-۵. هرمنوتیک و تفسیر متن قاعده مند

استاد معرفت با بررسی دانش هرمنوتیک، هرمنوتیک و تفسیر متن قرآن را روشمند و براساس اسلوب و دارای اصول و قواعد می داند. وی در تعریف هرمنوتیک می نویسد: «مجموعه قواعد و معیارهایی است که مفسر برای فهم متون دینی به کار می گیرد و از آن ها تبعیت می کند» (معرفت، ۱۴۲۷ق، ص ۱۵۳). البته استاد معرفت به توسعه معنایی هرمنوتیک توجه داشته است و می فرماید: «یعنی هرمنوتیک عبارت از روش شناسی علوم انسانی است. دانشی که به قواعد و ضوابط و معیارهای علوم انسانی می پردازد» (همان).

قائلین به نظریه هرمنوتیک عقیده دارند در صورتی که زمان تاریخی و عصر مفسر با پدید آورنده متن متفاوت باشد، تفسیر براساس داده‌ها و تجربه‌های مفسر است. این تفاوت ناشی از تاریخی بودن زندگی انسان است. فرهنگ‌ها و تمدن‌های متفاوت، همچنین جهان‌بینی‌ها و ادیان مختلف، تجربه‌های گوناگونی را اقتضا دارد. تجربه انسان نسبت به خود و جهان پیرامون خود در زمانی که انسان زندگی ابتدایی دارد و محکوم به قوانین طبیعی است، قهراً با تجربه‌های انسان از خود و عالم بیرون از خود در عصر پیشرفت و تسلط بر نیروهای طبیعی بسیار متفاوت است (مجتهد شبستری، ۱۳۹۹، ص ۱۷-۳۱). این دیدگاه قطعاً با دیدگاه استاد معرفت که قائل به روشمند بودن تفسیر متن است در تضاد است.

استاد معرفت بر تأکید بر سه عنصر مؤلف و نص و مفسر به قواعد و اصول فهم متن در متون دینی می‌پردازد.

۱. قاعده زبان وحی: لغت وحی نازل شده، لغت عرف عام است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم، ۴).

۲. قاعده مراتب معنا: زبان قرآن، دلالت‌های طولی و مترتب و مرتبط دارد. برخی از آن‌ها، ظاهر سطحی و پاره‌ای دیگر، باطن عمقی است.

۳. قاعده جری و تطبیق: مسئله جری و تطبیق یکی دیگر از مباحث مهم متون دینی است. بر این اساس، تأویل کلام به مفهوم عامش گرفته می‌شود، سپس بر موارد بالذات و مصادیق تامش تطبیق می‌گردد؛ برای نمونه در حدیثی از امام صادق (ع) در ذیل آیه شریفه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» آمده است: «نحن اهل الذكر و نحنُ أَهْلُ الْمَسْئُولُونَ». حق مطلب آن است که مفهوم آیه، عام است، اما این مفهوم عام بر ائمه (ع) مسلمین به اعتبار این که کامل‌ترین مصادیق هستند، تطبیق شده است نه این که مراد آیه تنها مصادیق تام باشد (معرفت، ۱۴۲۷ق، ص ۱۶۶). قاعده جری و تطبیق به فهمنده مدد می‌رساند تا مفهوم عام آیه را از دست ندهد و مصادیق دیگر را از طریق اجتهاد کشف کند؛ پس این قاعده نیز از قواعد مهم هرمنوتیک روش‌شناسی است.

۴. قاعده معناداری متون: استاد معرفت، نظریه سفسطه‌گونه برخی روشنفکران را که الفاظ و عبارات را خالی از هرگونه معنا می‌شمارند، مردود دانسته و می‌فرماید: «این ادعا هیچ‌گونه معنای معقولی ندارد، ولی با وجود این که الفاظ متون دینی، معنا دارند، ولی به تفسیر نیازمندند؛ زیرا گاهی عواملی باعث می‌شود که ابهام و اجمالی در کلام حاصل آید متن را به تبیین و تفصیل نیازمند می‌کند. به همین دلیل، خداوند سبحان، پیامبر اعظم (ص) را اولین مفسر معرفی می‌کند: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل، ۳۴) (معرفت، ۱۴۲۷ق).

ص ۱۶۹-۱۶۸).

۵. قاعده محکم و متشابه: استاد معرفت مطابق آیه هفتم سوره مبارکه آل عمران، بخشی از آیات قرآن را متشابه معرفی می‌کند که مایه شبهه و گاه دست‌آویزی برای فتنه‌جویان شده است. برای فهم آن لازم است آیات متشابه را به واسطه آیات محکم تفسیر کنیم (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰-۲۷۳).

۷. قاعده ضابطه تأویل: استاد معرفت معتقد است: «با توجه به این ضابطه، بسیاری از تأویلات و معانی باطنی به دست فرقه‌های معروف به باطنیه و نیز انبوهی از تأویلات صوفیه افراطی و نظریات هرمنوتیکی فاقد اعتبار می‌گردد و نه تنها به دلیل عدم مراعات ضابطه مذکور قابل قبول نیست، بلکه به گونه‌ای تحمیل بر قرآن بوده و از نوع تفسیر به رأی می‌باشد» (معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۱).

در نتیجه هرمنوتیک در دستگاه معرفتی استاد معرفت به ساحت لفظ اختصاص ندارد و تمامی اعمال و افعال را دربر می‌گیرد؛ یعنی نه تنها هرمنوتیک استاد معرفت، اعم از هرمنوتیک روش‌شناختی کلاسیک و روش‌شناختی و رمانتیک شلایر ماکر است، بلکه از هرمنوتیک روش‌شناختی و رمانتیک دیلتای نیز عام‌تر می‌باشد؛ برای این که نشان دادن حقیقت مراد، هم به حوزه الفاظ و هم به ساحت عمل انسانی و هم به قلمرو فعل خداوند سبحان مربوط می‌شود؛ یعنی تمام پدیده‌های آدمی و الهی در دامنه هرمنوتیک استاد معرفت جای می‌گیرند. بر این اساس، می‌توان هرمنوتیک استاد معرفت را از حیث قلمرو و گستره با هرمنوتیک فلسفی هایدگر و گادامر همسان دانست. هرچند در محتوا تفاوت فراوان و اساسی به‌ویژه تفاوت معرفت‌شناختی میان آن‌ها وجود دارد (واعظی، ۱۴۰۳؛ خسروپناه، ۱۳۸۰).

۲-۶. تأثیر ناپذیری جسمی یا تکوینی انسان از موجودات نامرئی

در قرآن به موجودات نامرئی مانند جن و شیطان و ملائکه اشاره شده است. تأثیر جنیان و شیاطین بر انسان مقوله‌ای است که از دیرباز در میان عوام مشهور بوده است. برخی‌ها اهریمنان و دیوان را سبب بروز امراض می‌دانستند (سامی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۰). اعراب قبل از اسلام نیز منشأ بیماری‌ها را ارواح شریر و شیاطین و دیوان می‌پنداشتند و برای اخراج آن‌ها از جسم مریض، به اوراد و دعا توسل می‌جستند (صفا، ۱۳۴۶، ص ۳۰). برخی‌ها (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ش ۲۶، ص ۴۵؛ خرمشاهی، ۱۳۸۳، ص ۵) با توجه به آیه ۲۷۵ سوره بقره معتقدند که موجودات نامرئی سبب دیوانگی افراد می‌شود و تأثیر جسمانی دارد (سروش، بشر و بشیر، کارگزاران، ۱۳۸۶/۲/۲۶). استاد معرفت اصل وجود جن را انکار نمی‌کند و می‌نویسد: «اعتراف قرآن به وجود جن در کنار انسان و

این که این دو در آفرینش و تکلیف و آغاز و انجام مشترک اند جای شك در آن نیست و هیچ مسلمان معتقد به وحيانيت قرآن در آن تردید نتواند کرد» و در ادامه می افزاید: «از برخی آیات چنین برمی آید که جنّ پیش از انسان آفریده شده، زیرا ابلیس از جنّیان بود» (کهف، ۵۰). ایشان درباره علوم تجربی که وجود جن را اثبات نکرده است می نویسد: «اما دانش تجربی در این میدان مجالی ندارد، چرا که قلمرو حاکمیتش، تنها جهان محسوسات است، بی آن که دستی به آن سوی پرده غیب داشته باشد؛ بنابراین چگونه می تواند درباره چیزی که خارج از حوزه حاکمیت اوست، نفی و اثباتی داشته باشد یا موضعی اتخاذ کند؟» (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲).

اما استاد معرفت تأثیرات جن و شیطان را نمی پذیرد و معتقد است: «شیطان و جنیان، به هیچ وجه، اراده و آگاهی انسان را سلب نمی کنند، بلکه آن ها فقط دعوت کننده اند و این انسان ها هستند که با اراده و اختیار خودشان دعوت آن ها را می پذیرند. شیطان به قلب انسان های مؤمن راه پیدا نمی کند (اعراف، ۲۷). اگر انسان ها دریچه قلب خود را به روی آن ها ببندند، آن ها نمی توانند تأثیرگذار باشند (نحل، ۱۰۰). منتها ممکن است انسان به واسطه زمینه های قبلی و مداومت به کار خلاف، در برابر وسوسه های آن ها، اختیار خود را از دست بدهد «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ؛ تو به بندگان من تسلط نخواهی داشت، مگر به گمراهانی که از تو پیروی می کنند» (حجر، ۴۲). خداوند نیز از زبان شیطان می فرماید: «من بر شما تسلطی نداشتم، جز این که دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید» (ابراهیم، ۲۲) (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲-۲۳۰). شهید مطهری نیز به نکته ظریفی اشاره دارد و می فرماید: «قلمرو شیطان، تشریع است نه تکوین. نفوذ او در اندیشه است نه در بدن انسان و نفوذ در اندیشه هم در حد وسوسه کردن خیال و يك امر باطن را جلوه دادن است و هیچ گونه تسلطی بر انسان ندارد» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۷۱-۷۴).

از ظاهر آیه ۲۷۵ سوره بقره «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ؛ کسانی که ربا می خورند، بر نمی خیزند مگر همانند بر خاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، دیوانه (و آشفته سرش) کرده است»، استفاده می شود که دیوانگی محصول مس شیطان است. مفسران در تفسیر آیه فوق احتمالات زیادی را مطرح کرده اند برای نمونه مرحوم طالقانی می فرماید: «چون رباخوری، انحراف از مسیر طبیعی و انسانی است، رباخور دچار خط زدگی در اندیشه و آشفتگی می شود... و خوی کینه جوئی و بداندیشی نسبت به مردم نیز در او راسخ می شود... در هر حال پیوسته در نگرانی و آشفتگی به سر می برد و به خود می پیچد. این حالات در کردار و گفتار و حرکات چشم و دست و پایش نمایان است» (طالقانی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۲۵۲-۲۵۳).

۲۵۳). نویسنده تفسیر نمونه بعد از نقل احتمال‌ها، دیوانگی را به دوگونه تصور کرده است: «یکی جسمانی که بر اثر عوامل مادی است. دیگری روحی و معنوی که متأثر از عوامل غیرمادی است. آنان که رباخوردند گرفتار دیوانگی روحی می‌شوند که مشوق آن‌ها وسوسه‌های شیطانی است. چه جنونی بالاتر از طمع و حرص به مال دیگران که تشویش روحی و اضطراب دائمی به همراه دارد» (مکارم، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۰۱). برخی دیگر نسبت دادن دیوانگی به شیطان را نوعی مجاز می‌دانند (طبرسی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۷۹). بعضی از مفسران مانند علامه طباطبائی در حد یک احتمال پذیرفته‌اند که ممکن است علل برخی از جنون‌ها، شیطان و جن باشد و استناد جنون به عللی چون شیطان، موجب ابطال علل طبیعی نیست، بلکه علل طبیعی در طول علل غیرطبیعی‌اند؛ نه در عرض آن‌ها (طباطبائی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۷۴) و زمخشری معتقد است شیطان به غیر از وسوسه هیچ دخالت و تأثیر دیگر ندارد (زمخشری، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۹۷). سیدشریف مرتضی نیز معتقد است ابلیس قدرت ندارد که در بدن انسان‌ها مرض ایجاد کند (شریف مرتضی، ۱۴۰۹، ص ۹۲). استاد مکارم شیرازی هم می‌فرماید: «هیچ بعید نیست که در اثر بعضی از کارها و اعمال نادرست، شیطان در شخص اثر بگذارد» (مکارم، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۷۲). برخی دیگر معتقدند که شیطان در آیه، به معنای میکروب است که در انسان نفوذ می‌کند و سبب آشفته‌گی روحی و بیماری اعصاب و دیوانگی می‌باشد (طنطاوی، بی‌تا، ذیل بقره / ۲۰۷)، اما استاد معرفت رحمته‌الله جنون را نوعی مشکل روانی و دارای انواع گوناگونی می‌داند که برخی‌ها قابل درمان از راه‌های عادی است و در کتب قدیم و جدید طب ذکر شده است. ایشان می‌نویسد: «هر چند واژه مجنون (جن‌زدگی) در یازده مورد به‌کار برده شده است و این از باب همنوایی در استعمال و کاربرد لفظ است؛ زیرا تفاهم با مخاطبان براساس زبان عرفی بوده است و نه به معنای پذیرش مبدأ و خاستگاه نام‌گذاری یاد شده (در واژه مجنون). پزشکان معالج - در گذشته و حال - نیز مبتلایان به این بیماری را مجنون و خود این بیماری را جنون می‌نامیدند؛ باز هم از باب همراهی با زبان عرف و این به معنای آن نیست که اعتقاد قطعی داشته‌اند که شخص مجنون مورد آسیب جنیان واقع شده است. اگر به مراکز نگهداری و درمان این‌گونه بیماران نیز دارالمجانین گفته می‌شود و در تابلو این مراکز نیز عنوان یاد شده نصب می‌شود جز به دلیل همین تفاهم با زبان عرف رایج نبوده و نیست» (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۲۲۶). استاد در ادامه به آیه ربا و مَس شیطان اشاره و می‌نویسد: «منظور از تماس در آن، وسوسه‌های پلید اغواگرانه است یا همان چیرگی شیطان بر اندیشه و تفکر آزمندان که در نتیجه مات و مبهوت و حیران راه نجات را گم کرده در پی هوس‌های خود کورکورانه ره پویند و در هزارتوی گمراهی درمانده شوند و این یعنی استیلاي شیطان بر سراسر وجودشان، که

پیامد آن کوری و کری است» (همان). حاصل سخن این که مبنای نظری استاد در پاسخ‌گویی به شبهات عدم تأثیرگذاری جنیان و شیاطین بر بدن انسان است و وی شیطان را در تأثیرگذاری به انسان ضعیف می‌داند.

۷-۲. تأثیرناپذیری قرآن از فرهنگ زمانه

«فرهنگ» کلمه‌ای فارسی است و در عربی به معنای «الثقافة» آمده است که بیش از ۲۵۰ تعریف برای آن ذکر کرده‌اند (توسلی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۰). می‌توان گفت فرهنگ عبارت است از مجموعه آداب و رسوم، علوم و معارف و هنرهای یک قوم؛ همچنین، کتابی که شامل لغات یک یا چند زبان و شرح آن‌ها باشد و نیز علم و دانش و ادب، و تعلیم و تربیت را نیز فرهنگ می‌نامند (معین، ۱۳۷۵، ذیل واژه فرهنگ).

مبنای استاد معرفت در پاسخ‌گویی به شبهات، تأثیرگذاری قرآن بر فرهنگ عرب بوده نه تأثیرپذیری. از این رو شبهاتی که در راستای تأثیرپذیری قرآن بوده را رد و نقد می‌نمود. استاد یکی از عوامل تأثیرپذیری را که برخی ذکر کرده‌اند، استفاده قرآن از زبان عربی مطرح می‌کند و می‌گوید: «درست است که قرآن با واژگان عربی نازل شده و برخی آن را نشانه تأثیرپذیری از فرهنگ زمانه می‌دانند، ولی این الفاظ، با بلاغت، فصاحت و معنای بلند خود، دارای اعجاز ذاتی بوده و نمی‌توان آن را با کلام محاوره‌ای بشر مقایسه کرد؛ به همین سبب، تاکنون کسی نتوانسته است سوره‌ای همسان قرآن بیاورد». همچنین استاد با جعل اصطلاح مجارات در استعمال می‌نویسد: «هرکسی که با زبان قومی سخن می‌گوید بایستی در کاربرد واژگان، با آن قوم، همگام حرکت کند، تا امکان تفاهم میسر گردد و این همگامی در کاربرد الفاظ و کلمات، نشانگر آن نیست که بار محتوایی آن را پذیرفته باشد، بلکه به عنوان نام و نشان و برای انتقال مفهوم مورد نظر به مخاطب، به کار گرفته می‌شود و چه بسا به انگیزه واضع اصل یا باور داشتن فرهنگی که وضع چنین الفاظی را ایجاب کرده است، هیچ‌گونه توجّهی ندارد» (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷).

پیش از هر چیز باید، فرهنگ و آداب اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و... اعراب را، از ابزار تخاطب (زبان، تشبیهات، تمثیلات، کنایه و...) تفکیک کرد؛ ضروری است که خداوند، برای رساندن مفاهیم بلند خود، نخست، رسولی را از میان همان قوم و با زبان آنان برگزیند و دوم، قوانین و احکام خود را در قالب الفاظی که در فرهنگ آنان کاربرد دارد، نازل کند؛ از این رو، خداوند، پیامبر اسلام ﷺ را از میان مردم عرب برگزید (ابراهیم، ۴) و قرآن، کتاب مقدس خود را با واژگان عربی نازل کرد (شعرا، ۱۹۵) تا بتواند مطالب وحیانی و الهی خود را به واسطه ابزار تخاطب (زبان، تشبیه

و... به مردم، تفهیم کند (رضایی، ۱۳۸۳).

با مطالعه‌ای اندک در فرهنگ و آداب اعراب می‌توان دریافت که آنان فرهنگ خرافاتی زیادی داشته‌اند؛ مانند شیطان‌پرستی (یس، ۶)، دخترکشی (نحل، ۵۹)، طواف بدون لباس به گرد خانه خدا (اعراف، ۲۸)، بت‌پرستی (بقره، ۱۶۵)، چندهمسری بدون محدودیت (نساء، ۳)، ازدواج دسته‌جمعی (نوری، ۱۳۷۵) و... که قرآن هیچ‌یک از فرهنگ‌های باطل را نپذیرفت؛ زیرا خود زمینه‌ساز فرهنگ و تمدن عظیم اسلامی بود.

بعضی از آداب و رسوم در بین اعراب، رویکردی مثبت داشت؛ مانند حج (بقره، ۱۵۸)، اعتقاد به خالق یکتا (عنکبوت، ۶۱)، ماه‌های حرام (توبه، ۳۶)، البته بیشتر فرهنگ‌های اعراب، در ادیان الهی گذشته ریشه داشته است. استاد با این مبنا، فصلی را با عنوان «قرآن و فرهنگ زمانه» در کتاب **شبهات و ردود** که به زبان فارسی نیز با عنوان نقد شبهات پیرامون قرآن کریم چاپ شده، باز نمود و بیش از ۳۰ شبهه را پاسخ داده است (معرفت، ۱۳۸۵).

۲-۸. تأثیر ناپذیری قرآن از کتب پیشین

یکی دیگر از مبانی نظری استاد معرفت در پاسخ‌گویی به شبهات، باور به سلامت قرآن از اقتباس و کپی از متون گذشته است. وجود برخی از مشابهت‌ها و اشارات علمی و غیرعلمی بین قرآن و متون گذشته، توهم و ادعای اقتباس برای برخی‌ها به وجود آورده است و با اشاره به نمونه‌هایی، مدعای خود را تقویت کرده‌اند. برای نمونه ارسطو و جالینوس نظریاتی درباره جنین ارائه داده‌اند (تیلر، ۱۳۹۰ ش، ص ۸۵) و برخی‌ها با توهم اقتباس قائل‌اند: جنین‌شناسی قرآن برگرفته از دیگران است (نورمحمدی، ۱۳۸۸، ص ۵-۱۶).

با توجه به این‌که ادعای اقتباس، اصالت، استقلال و الهی بودن قرآن را به چالش می‌کشد و آن را نسخه‌برداری شده از کتاب‌های پیشین معرفی می‌کند، اما در پاسخ باید گفت برابر نص صریح قرآن (عنکبوت، ۴۸؛ اعراف، ۱۵۷-۱۵۸؛ بقره، ۷۸؛ جمعه، ۲) و تاریخ، پیامبر اسلام ﷺ در مدت چهل سال پیش از بعثت، نه درسی خوانده، نه از کسی علمی آموخته و نه خطی نوشته بود (جعفریان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۰۸)؛ بنابراین چنانچه کسی از توانایی و امکان اقتباس کتاب‌های گذشته برخوردار باشد، در حالت طبیعی باید از دانش نوشتن و تجربه‌های علمی روزگار خود نیز بهره‌مند باشد، اما به شهادت قرآن و تاریخ، پیامبر ﷺ این‌گونه نبود. این نشان می‌دهد که قرآن کتابی استثنایی و غیربشری است و ادعای اقتباس بدون دلیل است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۴۰۲).

استاد معرفت با اشاره به مشترکات محتوایی در قرآن و متون مقدس می‌نویسد: «تمامی شرایع ابراهیمی یک دین و یک آیین هستند و همه دستورات و تکالیف، در پی یک هدف مشترک هستند که همان تکامل آدمی است» (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) (آل عمران، ۱۹) و این یعنی آن‌که حقیقت همه ادیان، از آدم تا خاتم، اسلام است، که همان تسلیم در برابر خدا و پرستش خالصانه اوست و بس) (معرفت، ۱۳۸۷، ص ۲۵). استاد خاستگاه قرآن و متون مقدس را مشترک در همگرایی و هم‌روشی می‌داند و با ادله برون‌دینی و درون‌دینی اقتباس را رد می‌کند و می‌نویسد: «اولاً قرآن خود به صراحت اظهار می‌کند که به پیامبر اسلام ﷺ مستقیماً وحی نازل شده تا جهانیان را بدان بیم دهد. ثانیاً قرآن، معارف استواری به بشر تقدیم کرده که در پی فلسفه هستی و انسان‌شناسی است و هیچ اندیشه بشری را در آن زمان به آستانه آن‌ها راه نبوده، چه رسد به خرافات بشر بافته و ساخته‌ای که عهدین را پر کرده بود. ثالثاً آموزه‌های بلند عرضه شده از سوی قرآن، هرگز با افسانه‌های سست و دست‌نوشته‌های عهدین همخوانی ندارد، آیا می‌توان این بلندپایه را برگرفته از آن فرومایه دانست» (همان، ص ۲۷ و ۲۸). استاد در بخش دیگر کتاب با ذکر نمونه‌های فراوان از مبدأشناسی، انسان‌شناسی، نبوت‌شناسی و...، بین قرآن و متون مقدس بررسی و با مقایسه آن‌ها به این نتیجه رسیده که متون گذشته هرچند در ریشه و مبدأ واحد هستند، ولی در مرور زمان دست‌خوش تحریف و اندیشه‌های سخیف قرار گرفته و نمی‌تواند منبعی برای قرآن قرار گیرد (معرفت، ۱۳۸۷، ص ۳۰-۵۰)؛ در نتیجه اعجاز علمی، خبرهای غیبی و آینده‌نگری قرآن و بلاغت و فصاحت و بیان و نظم و نثر و نقل تاریخی و داستان‌ها به‌طور کل، برتری قرآن را بر کتاب‌های پیشین گواهی می‌دهد و مستقل بودن آن را از کتاب‌های دیگر، نشان می‌دهد و نیز تفاوت‌های فراوان تعالیم اسلام با تعالیم شرایع دیگر و علوم دیگران، شاهد دیگری بر عدم اقتباس قرآن از دیگران است.

۲-۹. تعاون علم و دین

استاد معرفت، به‌عنوان یک مفسر و اندیشمند معاصر، دیدگاهی بسیار روشن و هماهنگ درباره رابطه علم و قرآن داشتند. ایشان نه تنها تعارضی بین این دو نمی‌دیدند، بلکه بر این باور بودند که علم و دین می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و هرکدام در جایگاه خود، به پیشرفت و تعالی انسان کمک می‌کنند و استاد با این اعتقاد به شبهات پاسخ می‌دادند.

خاستگاه اصلی مسئله تعارض یا عدم تعارض علم و دین، فرهنگ غرب بوده و از آن طریق وارد فضای فرهنگی اسلام شده است، اما در قرون گذشته افرادی مانند فیثاغوریان برای نخستین بار میان علم و دین پیوند دادند (راسل، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۹). افلاطون (۴۲۸ ق.م) و ارسطو (۳۸۴ ق.م)

در این عرصه سهمی داشتند (همان، ص ۴۱) و یکی از ادعانامه‌ها بر علیه سقراط (۳۹۹ ق.م) اتحاد بین علم و دین بوده است (دامپی، ۱۳۸۰، ص ۳۳). ریشه‌های تعارض قرآن و علم را در لابه‌لای متون دینی در قرون اولیه می‌توان یافت؛ برای مثال بعد از نهضت ترجمه و راه‌یابی کتب یونانی و سریانی در تمدن اسلامی برخی‌ها با برداشت نادرست، گمان تعارض بردند (بازرگان، بی‌تا، ص ۸۱)، ولی امثال کندی (۱۸۵ ق)، فارابی (۳۳۹ ق)، ابن‌سینا (۴۲۸ ق)، ابن‌رشد (۵۲۰ ق) و... در حل تعارض تلاش می‌کردند (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۲۰-۴۰). استاد در جلد ششم کتاب **التمهید**، به آیات علمی اشاره و تفسیر علمی قرآن به وسیله علوم قطعی را می‌پذیرد و اعجاز علمی قرآن را یکی از ابعاد اعجاز و موارد تحدی قرآن می‌داند (معرفت، ۱۴۱۱ ق، ج ۶، ص ۶-۲۶). ایشان به‌طور واضح بین اسناد قطعی علوم تجربی، به قرآن و تفسیر قرآن با علوم تجربی، به نحو احتمالی فرق می‌گذارند و نیز بین علوم تجربی قطعی و غیرقطعی در تفسیر علمی فرق می‌گذارند (همان، ص ۶-۱۳) و معتقد است که در قرآن اشاراتی صریح به اسرار طبیعت شده که فهم حقیقت آن‌ها جز در پرتو شناخت برخی علوم و تسلط بر اسرار طبیعت که علم کشف می‌کند ممکن نیست و این بهترین وسیله برای فهم کتاب الهی و کشف اسرار و اشارات آن است (همان، ج ۶، ص ۲۵).

استاد تحمیل و استخراج علوم را از آیات نمی‌پسندند و معتقدند: «با پیشرفت زمان، گسترش و دگرگونی در علوم حاصل می‌شود و چه بسا یک نظریه علمی - چه رسد به فرضیه - که روزگاری حالت قطعیت به خود گرفته باشد، روز دیگر همچون سرابی نقش بر آب، محو و نابود گردد؛ لذا اگر مفاهیم قرآنی را با ابزار ناپایدار علمی تفسیر و توجیه کنیم، به معانی قرآن که حالت ثبات و واقعیتهای استوار دارند، تزلزل بخشیده و آن را ناستوار می‌سازیم. خلاصه گره زدن فرآورده‌های دانش با قرآن، کار صحیحی به نظر نمی‌رسد. آری اگر دانشمندی با ابزار علمی که در اختیار دارد و قطعیت آن برایش روشن است، توانست از برخی ابهامات قرآنی پرده بردارد، کاری پسندیده است (معرفت، ۱۴۱۱ ق، ج ۶، ص ۱۲). همچنین ایشان تطبیق قرآن بر نظریات علمی را صحیح نمی‌داند؛ چون به تحمیل و گاهی قول به غیر علم منتهی می‌شود (همان). آری رابطه سازگارانه قرآن و علم در برخی موارد می‌تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند (معرفت، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۴۳). استاد در جلد ششم **التمهید** به صورت صریح اشاره دارد: «برخی از مطالبی را که فهم بشری براساس علوم طبیعی تقریباً قطعی بدان دست یافته است، تقدیم شما می‌کنم، که این‌ها دلیل بر اعجاز قرآن است. اسرار این علوم از بشر پنهان بود، تا امروز که کشف شده و به زودی نیز بیشتر کشف می‌گردد» (معرفت، ۱۴۱۱ ق، ج ۶، ص ۳۰).

استاد با نگاه تعاون علم و قرآن به سراغ شبهات می‌رفت. برای نمونه، برخی‌ها آیه: «وَمِنْ كُلِّ

شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» (ذاریات، ۴۹)؛ تمامی موجودات را جفت (نر و ماده) آفریدیم را با علم در تضاد می‌دیدند و قائل بودند برخی موجودات، از قبیل حیوانات ابتدایی، تک‌سلولی هستند. استاد بعد از بررسی لغوی زوجین به سراغ علم زیست‌شناسی می‌رود و با استناد به اقوال دانشمندان درباره زوجیت به این نتیجه می‌رسد برخی از موجودات مثل کرم در درون خود دارای مذکر و مؤنث هستند، یعنی زوج هستند. پس علوم با آیات الهی در تضاد نیست (همان، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۶)؛ چرا که طبیعت، فعل خداوند است و وحی، کلام او، فعل خداوند عالم و قادر با کلام او هرگز متضاد نیست.

خاتمه و جمع‌بندی

حاصل سخن این‌که، شناسایی مبنای متفکران در حوزه پاسخگویی برای اندیشه‌وران لازم است و مفهوم مبناشناسی یعنی شناخت پیش‌فرض‌ها، باورهای اعتقادی یا علمی‌ای که نظریه‌ها بر آن استوار است. استاد معرفت رحمته از جمله علمای معاصر و برجسته و متخصص در علوم قرآن و تفسیر، توجه زیادی به شبهات قرآنی و پاسخ به آن‌ها داشته است. استاد با مبانی و پیش‌فرض‌هایی که از مکتوبات و پاسخ‌های وی استخراج شده، به دفاع از حریم قداست قرآن می‌پرداخت. مبانی استاد در پاسخ‌گویی به شبهات عبارت است از: سازگاری علم و دین، الهی بودن الفاظ وحی نه الهام، مکمل بودن قرآن و حدیث، سلامت قرآن از تحریف، سلامت قرآن از تناقض، عدم اقتباس از کتب گذشته، عدم تأثیرپذیری از فرهنگ زمانه، تأثیرناپذیری تکوینی انسان از موجودات نامرئی و... ایشان برای برخی از این مبانی کتاب‌های مستقلی تألیف کرده است.

منابع

۱. ابن بابویه قمی، محمد (صدوق)، التوحید، ج ۳، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن بابویه قمی، محمد (صدوق)، التوحید، ج ۳، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۳. انگر، رابت، برگزیده افکار راسل، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.
۴. بازرگان، مهدی، راه طی شده، ج ۸، تهران: شرکت سهامی انتشار، بی تا.
۵. بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی اصول قواعد و فواید، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۶. توسلی، غلامعلی، «ویژگی های فرهنگی جامعه دینی»، مجله نقد و نظر، سال دوم، ش ۳-۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ص ۱۳۸-۱۵۶.
۷. تیلر، ای، سقراط، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
۸. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۶.
۹. حسینی زبیدی، سید مرتضی، تاج العروس، بی جا: دارالهدایه، ۱۳۷۸ق.
۱۰. حکمت نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۱. خسروپناه، عبدالحسین، (نقدی بر هرمنوتیک فلسفی)، مجله رواق اندیشه، ش ۶، ۱۳۸۰.
۱۲. دامپی، یر، تاریخ علم، ترجمه ع. آذرنگ، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۴. راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه ن. دریابندی. تهران: نشر پرواز، ۱۳۷۳.
۱۵. رضایی، حسن رضا، شگفتی های پزشکی در قرآن، قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن (۱)، مبانی و قواعد تفسیر قرآن، قم: نشر جامعه المصطفی العالمیه (ع)، ۱۳۸۵.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «قرآن و فرهنگ زمانه»، مجله معرفت، شماره ۲۶، ۱۳۷۷.
۱۸. رضایی، حسن رضا، قرآن و فرهنگ زمانه، ج ۱، قم: مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه علمیه، ۱۳۸۳.
۱۹. زمخشری، جارالله، کشاف، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۲۰. سامی، علی، تمدن هخامنشی، تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۹۱.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، معترك الاقرآن فی اعجاز القرآن، ج ۱، بیروت: دارالکتب المکتبیه، بی تا.
۲۲. شاکر، محمدکاظم، مبانی و روش های تفسیری، ج ۱، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۳. شریف، مرتضی، تنزیة الانبیاء، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۹ق.
۲۴. شریفی، محمد، اخباریون و تفسیر و علوم قرآن، ج ۱، مشهد: انتشارات رضوی، ۱۳۹۶.
۲۵. صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن ۵، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۶.
۲۶. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۳، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۶.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۵، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.

۲۹. طنطاوی، جوهری، تفسیر الجواهر، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۳۰. علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: ناشر مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۱. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحیط، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار (۱۱۰ ج)، تهران: المكتبة الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، چ ۱، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، چ ۱، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۳.
۳۵. مصطفوی، سیدحسن، التحقيق فی کلمات القرآن کریم، چ ۱، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۱.
۳۶. مطهری، مرتضی، عدل الهی، چ ۷، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.
۳۷. مجتهد شبستری، محمد، هرمنوتیک، کتاب و سنت، طرح نو، تهران، ۱۳۹۹.
۳۸. معرفت، محمدهادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد: الجامعة الرضويه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۲۶ق.
۳۹. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
۴۰. معرفت، محمدهادی، تفسیر اثری جامع، مترجم ایروانی، قم: التمهید، ۱۳۹۰.
۴۱. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹.
۴۲. معرفت، محمدهادی، صیانة القرآن من التحریف، چ ۲، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
۴۳. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، چ ۱، قم: التمهید، ۱۳۷۸.
۴۴. معرفت، محمدهادی، نقد شبهات پیرامون قران کریم، مترجم عزیزاده، خرقانی، حکیم باشی و رستمی، قم: التمهید، ۱۳۸۵.
۴۵. معرفت، محمدهادی، التاویل فی مختلف المذاهب و الاراء، مجمع جهانی تقریب مذاهب، تهران، ۱۴۲۷ق.
۴۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چ ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چ ۵، قم: دارالکتب، ۱۳۶۸.
۴۸. منتظری، مجتبی، «سیری در چیستی تفسیر قرآن»، اندیشه صادق، ش ۱۵. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۳.
۴۹. مؤدب، رضا، مبانی تفسیر قرآن، چ ۳، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۳.
۵۰. نجارزادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین، چ ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
۵۱. نصیری، علی، کنگره آیت الله معرفت، معرفت قرآنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۷.
۵۲. نورمحمدی، غلامرضا، «مراحل رشد جنین از منظر قرآن»، مجله تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآنی، ش ۲، بهار ۱۳۸۸، ص ۱۶-۵.
۵۳. نوری، یحیی، اسلام و جاهلیت، چ ۸، تهران: مجمع معارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۵۴. واعظی، احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، چ ۱، قم: پژوهشگاه و فرهنگ اندیشه، ۱۴۰۳.